

**روایتی از چیستی و چرایی سیاست خارجی
دولت محمود احمدی نژاد**

www.ketab.ir

نویسنده

دکتر غلامرضا حداد

سرشناسه	: حداد، غلامرضا، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: گنگ اوازہ خوان: روایتی از چپستی و چرائی سیاست خارجی دولت محمود احمدی نژاد. / نویسنده غلامرضا حداد
مشخصات نشر	: تهران: چاپخش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۰ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.
شابک	: 978-600-6799-60-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: روایتی از چپستی و چرائی سیاست خارجی دولت محمود احمدی نژاد.
موضوع	: احمدی نژاد، محمود، ۱۳۲۵ - -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی
موضوع	: Ahmadinezhad, Mahmoud -- Political and social views
موضوع	: روسای جمهور -- ایران
موضوع	: Iran Presidents --
موضوع	: ایران -- روابط خارجی -- ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲
موضوع	: Iran -- Foreign relations -- 2005-2013
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲
موضوع	: Iran-- Politics and government -- 2005 - 2013
رده بندی کنگره	: ۱۷۲۰ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/.۰۸۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۵۲۰۳۰

<http://chapakhsh.com>

chapakhshpub

09191670069



نشانی: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، شماره ۱۲، انتشارات چاپخش

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۰۴۱۱۰، صندوق پستی ۱۷۳۷-۱۳۱۴۵

پست الکترونیکی: pub@chapakhsh.com

نشانی سایت: www.chapakhsh.com

روایتی از چپستی و چرائی سیاست خارجی دولت محمود احمدی نژاد

نویسنده: دکتر غلامرضا حداد

نظارت و اجرا: دلیله رحیمی آشتیانی

صفحه آرا: منصوره سعادت

نمونه خوان: سمانه ضرابی نژاد

طراح جلد: فرانک محبوب

چاپ اول: مرداد ماه ۱۴۰۰

شابک: 978-600-6799-60-5

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۷۰۰۰ تومان

چاپ: نصر

حق انتشار: همه حقوق محفوظ است.

پیشگفتار

اکنون که این سطور را می‌نویسم از اتمام پژوهشی که به متن این کتاب بدل شده است قریب به هشت سال می‌گذرد. در جهان پرشتاب و آشوب‌زده امروز، هشت سال عمری است که می‌تواند فراز و فرودهای سیاسی بسیاری در خود جای دهد. در طی این مدت موضوع این پژوهش تحولات چشمگیری داشته است: ابتدا نو اصول‌گرایان عدالت‌محور و مهرورز با اعتدال‌گرایان تدبیر‌محور و امیدوار جایگزین شدند و سیاست خارجی تهاجمی و تجدیدنظرطلب کمابیش جای خود را به سیاست خارجی تعامل‌گرا و دیپلماسی‌محور داد و بحران ناشی از مناقشه هسته‌ای به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی ایران بعد از جنگ با عراق، به برجام رسید، اما به فرجام نیانجامید؛ چرا که تعامل‌گرایی و دیپلماسی‌محوری به دیوار بلند یک‌جانبه‌گرایی آمریکا برخورد کرد و با تضعیف عاملیت دولت در سیاست‌گذاری خارجی، اعتدال‌گرایان چرخش نوی اصول‌گرایانه از خود به نمایش گذاشتند. سیاست خارجی ایران متأثر از متغیر نظام بین‌الملل در پس شکل‌گیری دولت جمهوری خواهان در ایالات متحده و خروج یک‌جانبه ترامپ از توافق برجام مجدداً چرخشی اجباری به سیاست

رویارویی را در میانه دوره تعامل‌گرایی تجربه کرد و این بار سیاست‌های اصول‌گرایانه توسط کارگزاران اصلاح طلب تعقیب شد.

با وجود این تغییر و تحول در موضوع پژوهش، به دلایلی انتشار آن را در شرایط کنونی خالی از فایده ندیدم. نخست اینکه اگرچه از ابتدای این هشت سال، به ظاهر خورشید بخت اصول‌گرایان در آسمان سیاست ایران در حال غروب بوده است، اما این غروبی نبوده که با طلوعی دیگر همراه نباشد و گشتی نبوده که به بازگشتی نیانجامد. حرکت پاندولی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره انعکاس چنین فراز و فرودهایی در عرصه رقابت سیاست داخلی بوده و در نقاط عطف آن بر جابه‌جایی قدرت در دستگاه اجرایی منطبق شده است. اگرچه شکست اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ نقطه آغاز مسیر افول سیاسی آنان بود، اما شواهد موجود و تجربه چند دهه گذشته نشان می‌دهد که اصول‌گرایان در آینده‌ای نزدیک، آگاهانه و البته قدرت‌مدارانه‌تر از پیش، به عالی‌ترین سطح سیاست ایرانی باز خواهند گشت.

اصول‌گرایی روح انقلاب اسلامی است و اصول‌گرایان ستون فقرات جمهوری اسلامی هستند. بدون اصول‌گرایی انقلاب اسلامی از معنا تهی است و این اصول‌گرایانند که کالبد این نظم سیاسی را شکل داده و استوار می‌کنند. شاید حذف هر یک از دیگر جریان‌های سیاسی درون نظام، با خدشه و آسیبی برای نظام سیاسی همراه باشد اما تداوم هویت و هستی جمهوری اسلامی تنها به اصول‌گرایی گره خورده است. درحالی‌که در نبود اصول‌گرایی، نظام سیاسی موجود فارغ از اینکه چه موجودیتی باشد، بی‌تردید دیگر جمهوری اسلامی

نخواهد بود. کالبدی خواهد بود بی روح و بی هویت که فقط نامش با ریشه و گذشته اش در پیوند باقی مانده و «خود»ش، هم در اذهان اتباعش و هم در نگاه سایر اعضای جامعه جهانی در چیستی، کیستی، چرایی و نقش و تعهداتش بلا تکلیف است. چرا که هویت این موجودیت سیاسی در پیوند با جوهر اصول گرایانه اش متصلب شده است.

حال که اصول گرایی این چنین در ذات این نظم سیاسی در هم پیچیده است، پس فهم سیاست خارجی اصول گرایانه که همواره در پس عناصر متداوم آن نهفته است و در بازگشت پاندولی عناصر متغیر آن متواپاً نمود می یابد هیچگاه خالی از فایده نخواهد بود. بر اساس چارچوب مفهومی که در این کتاب بر آن متکی هستیم قویاً به این نتیجه رسیده ام که در میان مدت و مادامی که این ساختار معنایی متأثر از تجربیات شگرف اجتماعی دچار تحولات جدی نشده باشد - که البته امری بعید، دور از دسترس و درگیر فرایندی تدریجی و زمانگیر است - سیاست خارجی که محصول ساختار معنایی اصول گرایان باشد کمابیش حول همین اصول و خط مشی هائی خواهد بود که برای سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در این کتاب بر شمرده شده است. همچنین امکان تغییر در رویه و مشی و نیز امکان بروز تنوع رویکردها در ابعاد گوناگون سیاست داخلی اصول گرایان بسیار محتمل تر از تغییر و تنوع آن در عرصه سیاست خارجی است و به عبارت دیگر ثبات و وحدت رویه و رویکرد در سیاست خارجی اصول گرایانه بسیار چشمگیر است. اگرچه اصول و ویژگی های ساختار معنایی نو اصول گرایان در این پژوهش منحصرأ با تکیه بر پاره گفتارهای

محمود احمدی نژاد، رئیس دولت‌های نهم و دهم، استخراج شده است اما تحلیل زبان‌شناختی این پژوهش، وی را نه به عنوان یک فرد بلکه در قامت کارگزاری مطالعه کرده که ساختار معنایی نو اصول‌گرایان را به سخن در آورده است؛ لذا این اصول و ویژگی کمابیش با مطالعه سایر کارگزارانی که ذیل این ساختار معنایی قرار می‌گیرند نیز قابل استخراج خواهد بود. بنابر این روایت و شناختی که این پژوهش در فهم سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم ارائه می‌کند کمابیش برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی در تمامی دولت‌های اصول‌گرا نیز راهگشاست.

از طرف دیگر، از منظر پژوهش‌های آکادمیک، موضوعات هیچ‌گاه کهنه و کم‌ارزش نمی‌شوند بلکه این رویکردها، چارچوب‌های مفهومی و روش‌ها هستند که با کاهش تدریجی مزیت‌ها و آشکار شدن معایب‌شان فرسوده به نظر رسیده، کنار گذاشته شده و یا جایگزین می‌شوند. هر پدیده‌ای هر چند هم که قدیمی باشد، از زاویه نگاهی جدید و در قالب چارچوب مفهومی و روشی نوآورانه، می‌تواند به آفرینش روایتی جذاب بیانجامد که ضمن گشودن افق‌های نو، پیش روی پژوهشگر علوم انسانی و اجتماعی، هیجان افزودن بر انباشت روایت‌ها از پدیده‌های قدیم و جدید را در وی برانگیزد. از این‌رو گهگاه شاهد انتشار آثاری هستیم که به مطالعه پدیده‌ای تاریخی پرداخته‌اند که پیش‌تر بارها و بارها در قالب روایت‌های متعدد به آن پرداخته شده است؛ یا آثاری که در تفسیر، نقد و بازخوانی آثار دیگری منتشر می‌شوند که بارها و بارها خواننده، نقد و روایت شده‌اند و جالب اینکه خوانش‌های جدید کمابیش پرمخاطب‌تر نیز هستند.